

احساس آنومی، رفتارهای هنجارشکنانه و دلالت های پی‌شگریانه از آن (مطالعه پسران جوان شهر تهران)

تاریخ دریافت:

93/04/04

تاریخ پذیرش:

چکیده

از صفحه 27 تا 48

تحقیق حاضر به دنبال بررسی اثر احساس آنومی بر گرایش پسران جوان به اعمال و رفتار هنجارشکنانه است. این تحقیق به لحاظ روش از نوع تحقیقات پی‌مایشی است و در زمره مطالعات کاربردی قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش کلیه پسران جوان شهر تهران بوده اند که از بین آنها 385 نفر به عنوان نمونه انتخاب شده اند. احساس آنومی در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مورد سنجش قرار گرفت و تاثیر آنها بر هنجارشکنی بررسی شد. نتایج این تحقیق نشان داد که همبستگی بین احساس آنومی و گرایش به رفتارهای هنجارشکنانه 0.502 به دست آمده است که در سطح خطای کمتر از 0.01 معنادار است. همچنین از بین ابعاد احساس آنومی وجه سیاسی آن بیشترین تاثیر را بر هنجارشکنی داشته است و بعد از آن وجه اقتصادی بوده است. این تحقیق در نهایت نتیجه می‌گیرد که احساس آنومی و به خصوص احساس آنومی سیاسی شدیدی بر رفتارهای هنجارشکنانه جوانان تاثیرگذار است و سیاستگذاری‌ها در این زمینه باید مبتنی بر توانمندسازی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوانان باشد و مشارکت دادن آنها در فرآیندهای خرد و کلان به خصوص سیاست و اقتصاد می‌تواند اثرات مطلوبی برجای گذارد.

کلید واژه‌ها

احساس آنومی، هنجارشکنی، جوانان، آنومی سیاسی، آنومی اقتصادی، آنومی اجتماعی.

بیان مسئله

کنش های اجتماعی در جوامع مختلف مبتنی بر هنجارهای اجتماعی است. در تعریف جامعه شناسی؛ هنجار به معنای معیار تثبیت شده ای است از آنچه که باید در یک فرهنگ خاص وجود داشته باشد (کوئن، 1371: 146) و این هنجارهاست که بیان می کند انسان در موقعیتهای مختلف چگونه عمل کند و یا از انجام عملی خودداری کند. این الگوهای رفتاری، سبب ایجاد و تداوم نظم و وحدت در جامعه می شود و در واقع هنجارهای اجتماعی در تنظیم روابط اجتماعی نقش اساسی ایفا می کنند. در نقطه مقابل آن، هنجارشکنی قرار دارد که نقض این الگوهای رایج عملی است و موجب اختلال در نظم و ثبات می گردد. انحراف اجتماعی و ناهنجاری، همچون میکروب و بیماری است که اگر از انتشار و شیوع آن جلوگیری نشود و در مراحل ابتدایی شناخته و درمان نگردد، روز به روز وسعت و دامنه آن گسترش می یابد و به یک عارضه عمومی تبدیل می شود و چه بسا جامعه را از مسیر اصلی خود منحرف کند. از این روست که بیان می شود هنجارها در تنظیم روابط اجتماعی نقشی اساسی دارند و عدم رعایت آن توسط افراد نا بهنجار حالتی مخرب برای نظم اجتماعی دارد.

گرایش به انحرافات اجتماعی و ارتکاب به رفتارهای هنجار شکنانه هیچ گاه بی مقدمه نخواهد بود. بر اساس نظر بسیاری از جامعه شناسان رفتارهای منحرفانه و هنجار شکنانه از وضعیت های اجتماعی و سازمان اجتماعی که افراد در آن زیست می کنند تاثیر می پذیرد و باید اذعان داشت که هنجارشکنی تنها به عوامل فردی و شخصیتی خود فرد بستگی ندارد بلکه این پدیده دارای ابعاد اجتماعی نیز هست.

یکی از عمده ترین مفاهیم اثرگذار در معادلات اجتماعی در دوره جدید آنومی است. آنومی

مفهومی است که از وضعیت اجتماعی ناشی می‌شود و ارتباط نزدیکی با مفهوم هنجار دارد. این مفهوم در ابتدا توسط امیل دورکیم به کار برده شد و بعد از آن توسط نظریه پردازان جدید به خصوص مرتون بسط داده شد و در تحقیقات اجتماعی و به خصوص در انحرافات به طور گسترده به کار گرفته شد. شرایط آنومیک وضعیتی است که فرد با جامعه دچار انفصال شده و هنجارهای اجتماعی قدرت نفوذ خود را در فرد از دست می‌دهند و این انفصال نرخ بالای هنجار شکنی و انحرافات را ایجاد می‌کند. در واقع مبنای هنجارشکنی و رفتارهای انحرافی و مجرمانه در این گفتمان تئوریک به دلیل شرایط و وضعیت‌های آنومیک در جامعه است. از این رو تحقیق حاضر به بررسی نقش احساس آنومی در گرایش جوانان پسر به هنجارشکنی می‌پردازد.

سوالات تحقیق

تحقیق حاضر در پی ارائه پاسخی دقیق و علمی به پرسش زیر است:

• احساس آنومی جوانان پسر تا چه حد بر گرایش آنها به رفتارهای هنجار شکنانه تاثیرگذار است؟

همچنین علاوه بر سوال فوق که سوال اصلی تحقیق می‌باشد پاسخ به سوالات فرعی زیر نیز مد نظر است:

• احساس آنومی اجتماعی جوانان پسر تا چه حد بر گرایش آنها به رفتارهای هنجار شکنانه تاثیرگذار است؟

• احساس آنومی اقتصادی جوانان پسر تا چه حد بر گرایش آنها به رفتارهای هنجار شکنانه تاثیرگذار است؟

- احساس آنومی سیاسی جوانان پسر تا چه حد بر گرایش آنها به رفتارهای هنجار شکنانه تاثیرگذار است؟

مبانی نظری

نظریه آنومی

مفهوم آنومی نخستین بار توسط امیل دورکیم جامعه شناس فرانسوی در کتاب خودکشی او مطرح گردید. او معتقد بود در شرایط بی هنجاری، ارزشها و هنجارهای سنتی، قدرت و نفوذ خود را در جهت حمایت از افراد جامعه از دست می‌دهند.

امیل دورکیم معتقد بود که انحراف برای جامعه کارکرد مثبت دارد. او می‌گفت که انحراف و تنبیه منحرف مرزهای رفتار قابل قبول را مستحکم می‌کند و فرصتی است که مردم تعهد خود را نسبت به نظم اخلاقی جامعه دوباره تصریح کنند. به نظر دورکیم، در گذار تغییر اجتماعی همین که جوامع از یک پایه همبستگی اجتماعی عبور می‌نمایند ناهنجاری و انفصال فرد از جامعه رخ می‌دهد. به ویژه اگر این انفصال شدید باشد عدم تنظیم و کنترل و انفصال نه تنها موجب نرخ بالای کج روی است بلکه همچنین موجب مشکلاتی در تثبیت نظم اجتماعی است (ترنر، 1371: 404).

از نظر وی جرم در دو جامعه با همبستگی مکانیکی و جامعه با همبستگی ارگانیک به اشکال مختلفی آشکار می‌گردد تا آن حدی که جامعه در حالت مکانیکی قرار گرفته باشد جرم امری عادی است، به این معنی که اگر جامعه بدون جرم باشد به طور نامعقولی بیش از حد مورد کنترل واقع شده است. از سوی دیگر همانگونه که جامعه به سمت ارگانیک در حال گام نهادن است وضعیت نابهنجار برای این نوع جامعه امری محتمل است که دورکیم آن را آنومی نامیده است



. بروز آنومی انواع مختلف نابهنجاری اجتماعی و انحرافات را ایجاد می کند (ولد و برنارد، 1986 : 146).

پس از دورکیم، رابرت میرثن جامعه شناس آمریکایی، کوشید تا آنومی را به انحرافات اجتماعی ربط دهد و گفت نه تنها خودکشی، بلکه انواع انحرافات اجتماعی دیگر نیز حاصل شرایط «آنومیک» جامعه است (قنادان و همکاران، 1375 : 20).

از نظر مرتون جرم و انحراف ناشی از عدم تعادل نظام اجتماعی و ریشه در ساخت اجتماعی دارد. او میگوید: هنگامی که میان هدفهای فرهنگی و راههای نهادی شده، هماهنگی وجود نداشته باشد، فریبکاری، فساد، رشوه خواری و ارتکاب انواع جرمها افزایش مییابد. بنابراین هر جا که انحراف از هنجارها مشاهده شود، نشانه آن این است که اتحاد بین اهداف تعریف شده فرهنگی و راههای نهادی شده، گسسته شده است. (سخاوت، 1376 : 51).

مرتون در تبیین نظریه آنومی خود جامعه را به دو گروه عمده بهنجارها و کجروها تقسیم می کند.

بهنجارها: اکثریت مردم جامعه در این گروه قرار دارند، که در تمام ابعاد با فرهنگ کلی جامعه، هماهنگی دارند. این گروه تطابق گرایان یا همنوایان نامیده میشوند. اینان هم هدفهای مهم فرهنگی و هم راهها و وسایل رسمی برای تحقق آنها را می پذیرند.

کجروها: مرتون کجروها را به چهار دسته اصلی تقسیم می کند

- 1- نوآوران،
- 2- آداب گرایان،
- 3- انزواگرایان،
- 4- شورشیان

1- نوآوران: یا بدعت گذاران کسانی هستند که هدف‌های فرهنگی را می‌پذیرند اما وسایل و راه‌های رسیدن به این هدف‌ها را نمی‌پذیرند و از وسایل غیر مشروع یا غیرقانونی برای دستیابی به این هدف‌ها استفاده می‌کنند. دانشجویانی که می‌خواهند با تقلب آزمونی را بگذرانند یا افرادی که در صدد کسب ثروت از طریق فعالیت‌های غیر متعارف هستند نمونه این نوع افرادند.

2- آداب گرایان: یا مراسم گرایان، کسانی هستند که وسایل رسیدن به اهداف فرهنگی را می‌پذیرند ولی خود آن هدف‌ها را رد می‌کنند. این‌ها کسانی هستند که هدف برای آن‌ها مهم نیست، آنچه برای این دسته مهم تلقی می‌شود فقط و فقط آداب و رسوم و اجرای مقررات و تشریفات است.

3- انزوا گرایان: یا واپس گرایان افرادی هستند که هم هدف‌های فرهنگی و هم وسایل مورد قبول دست‌یابی به آن‌ها را رد می‌کنند. در واقع انزوا گرایان افراد طرد شده‌ای هستند که به دلیل ناتوانی یا عدم تمایل خود حاضر به بهنجار شدن و روی آوردن به زندگی سالم نیستند و غالباً به وسیله بسیاری از مردم طرد می‌شوند یا خود از جامعه کناره‌گیری می‌کنند.

در بین انواع منحرفینی که می‌توان آن‌ها را «منزوی» نامید، روان پریشان، ولگردان، میخواران مزمّن، معتادان به مواد مخدر و امثال آن را می‌توان نام برد.» (ستوده، 1374 : 140)

4- شورشیان: افرادی هستند که هم اهداف را رد می‌کنند و هم راه‌ها را و برخلاف انزواگرایان بدون هدف نیستند، بلکه راه‌ها و اهدافی را به عنوان جایگزین آن‌ها معرفی می‌نمایند (تنهایی، 1374 : 210)

مطابق نظریه مرتن افراد طبقه پایین تر بیشتر احتمال دارد که درگیر کج روی شوند زیرا

که جامعه آن ها را به داشتن هدف کسب موفقیت های بزرگ ترغیب می نماید اما ابزار رسیدن به آن اهداف را در اختیار آن ها قرار نمی دهد . کوهن این نظریه را بدین صورت بسط می دهد که پیشنهاد می نماید زمانی که آرزوهای آن ها برای کسب منزلت در محیط مربوط به طبقات متوسط از میان می رود ، جوانان طبقات پایین تشویق می شوند که منزلت را با شرکت در خلافاکاری میان خود جستجو نمایند .

به طور خلاصه مرتن در تحلیل خود نشان می دهد که چگونه فرهنگ و ساختار جامعه موجب انحراف می شود. تاکید بیش از حد بر هدف های فرهنگی در جامعه که به قیمت زیر پا گذاشتن راه های متعارف کسب موفقیت تمام می شود، تمایل به بی هنجاری را ایجاد می کند. این تمایل برای ایجاد انحراف فشار وارد می سازد، فشاری که با توجه به پایگاه شخص در ساختار اجتماعی متفاوت است. همچنین شیوه واکنش شخص در مقابل این فشار به پایگاه او در طبقه اجتماعی بستگی خواهد داشت (صفوی، 1370: 24) .

نظریات مرتون اساسی را برای شکل گیری نظریه فشار اجتماعی فراهم می آورد. کلوارد و اوهلین معتقدند که مرتن فقط یک سوی قضیه را دیده است ، زیرا وی انحراف را بر حسب ساختار فرصت قانونی تبیین کرده است ما ساختار فرصت غیر قانونی را مورد ملاحظه قرار نداده است (صفوی ، 1370 : 26) .

کلوارد و اوهلین بدین صورت نظریه مرتن را گسترش می دهند که بیان می دارند ، این که آیا جوانان طبقه پایین مستعد خلافاکاری واقعاً کجروی می نمایند یا نه؟ این موضوع به این بستگی دارد که آیا آن ها به فرصتهای غیر قانونی دسترسی دارند یا خیر. اما درباره اینکه نظریه فشار چقدر مفید است ؟ هیچ مدرکی وجود ندارد که طبقه پایین اجتماع در مقایسه با طبقات

میانه و بالا با داشتن يك آرزوي كسب موفقیت مشابه بیشتر مستعد خلافاکاری باشد. با این حال ، این نظریه نقش ارزشمندی در جایگزین نمودن توضیحات جامعه شناختی بجای توضیحات روان شناختی برای انحراف و همین طور در ارائه يك فرضیه معتبر در مورد شكاف آرزو-موقعیت داشته است (هزارجریبی و صفری، 1389: 47).

از نظر آنان انحرافات نتیجه تلاش های ناموفق افراد در رسیدن به اهداف برحق در يك جامعه است . در نتیجه باعث می شود كه افراد به راه های غیر قانونی متوسل شوند تا ثروت های مادی و پایگاه اجتماعی به دست آورند.

در این نظریه تحقیقات به سوی ارزیابی اهداف اجتماعی هدایت می شود ، راه هایی به سوی اهداف باز می شود و به گروه های مختلف فرصت داده می شود تا از این راه ها عبور کند ، راه های دیگر در جلوی پای افراد گذاشته می شود، از روش هایی استفاده می شود تا دستیابی را آسان کند، یا از روش هایی برای اصلاح کردن جاه طلبی ها به سمت اهداف قابل دسترس و تلفیق کردن ارزش ها در هر راهی که باز است استفاده می شود . عملکرد شامل تبیین ساختار اجتماعی برای به دست آوردن فرصت های مناسب در جهت اهداف و رسیدن به آن می شود.

نظریه هنجارشکنی

هنجارهای اجتماعی، چگونگی روابط و رفتارهای اجتماعی و کنش های تقریبا تغییرناپذیر انسانی را مشخص می سازند. محدودیت هایی نیز در زمینه رفتار آدمیان به وجود می آورند و معین می کنند که انسان چه باید بگوید یا نگوید، چگونه بیندیشد، چگونه رفتار کند، چه اعمالی را انجام دهد و از انجام چه اعمالی بپرهیزد (فرجاد، 1377: 99) آنها نشان دهنده باید و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند. هنجارهای

اجتماعی را تجلی بیرونی ارزش‌های اجتماعی و قواعد تعیین‌کننده چگونگی تفکر و نحوه سلوک انسان می‌دانند (چلبی، 1375: 24). از این رو، جامعه‌شناسان، فردی را بهنجار می‌گویند که با ضوابط اخلاقی و فرهنگی جامعه خویش سازگار و هماهنگ و در عمل، بدان‌ها پایبند باشد (گلد و کولب، 1376: 830). بدیهی است براساس مبانی انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی حاکم بر فرهنگ جوامع، نوع هنجارهای حاکم بر آنها متفاوت است؛ یعنی ممکن است یک مقوله یا متغیر اجتماعی در یک جامعه امری بهنجار باشد و برعکس، در جامعه‌ای دیگر کاملاً نابهنجار به شمار آید.

اگر رفتار افراد جامعه با هنجارها، ارزش‌ها و عقاید اجتماعی جامعه در تعارض و تضاد باشد، در این صورت رفتار اجتماعی، رفتار نابهنجاری خواهد بود زیرا که بین خواسته‌ها، نیازها و آرمان اجتماعی سیستم موجود و افراد جامعه هماهنگی دیده نمی‌شود، و در این حالت روابط اجتماعی تنش‌زا و ستیزآمیز است. وجود چنین روابط نابهنجار در جامعه، سبب پیدایش مسائل و مشکلات اجتماعی شده و حرکت جامعه را ناموزون و متعادل می‌سازد. جامعه‌شناسی چنین مسائل و مشکلات اجتماعی را که زاده عدم هماهنگی نظام ارزشی با خواسته‌ها و عملکردهای افراد جامعه است، تحت عنوان نابهنجاری اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد. بزهکاری کودکان و نوجوانان، اعتیاد، خودکشی، دزدی و نابسامانی خانواده از این مقوله است (سیف‌اللهی، 1374: 224).

هر جامعه دارای قوانینی است که بر مردم تحمیل می‌گردد. کسانی که از این مقررات اطاعت نکنند کجرو شناخته می‌شوند (فرجاد، 1377: 71) کجرو یا منحرف یا هنجار شکن کسی است که رفتار نابهنجارش زودگذر نباشد و دیرگاهی دوام آورد و رفتار او را کجروی اجتماعی یا انحراف

اجتماعی می‌خوانند. از نظر برخی جامعه‌شناسان، اصطلاح کجروی به الگوهای رفتار غیرقابل قبول، الگویی که برخلاف هنجارهای جامعه است، یا به عمل یا الگوی رفتاری که قوانین و مقررات اجتماعی را نقض کند اطلاق می‌شود (کوئن، 1371: 227) نابهنجاری گاه در مفهومی کاملاً مترادف با کجروی، و به مفهوم تخلف از ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر روابط اجتماعی به‌کار می‌رود؛ و گاه نیز در مفهومی کلی‌تر، به معنای ابعاد، ویژگی‌ها و حتی رفتارهای غیرمتعارف و غیرمعمول (سلیمی و داوری، 1380: 228).

برخی، علت اصلی پیدایش نابهنجاری‌ها را به عوامل محیط طبیعی، برخی به عوامل نژادی و ارثی و گروهی، به نبود تعلیم و تربیت و یا نارسایی فرهنگ جامعه نسبت می‌دهند. جامعه‌شناسی بدون اینکه تاثیر عوامل ذکر شده را نادیده بگیرد، عامل مشروط و تعیین‌کننده رفتارهای ناهنجار را در کیفیت و ماهیت روابط اجتماعی می‌داند. از این دیدگاه با پیدایش روابط ناعادلانه اجتماعی زمینه برای تکوین نابهنجاری‌ها پیدا می‌شود. به این ترتیب نابهنجاری‌های اجتماعی، زاده محیط اجتماعی است. اگر محیط اجتماعی با شکل‌گیری روابط اجتماعی درست و ایجاد ساخت هماهنگ و موزون بین خواسته‌ها و امکانات و بین وسیله‌ها و هدف‌ها، رابطه برقرار کند و فرهنگ جامعه را در جهت شکل‌گیری چنین زمینه‌ای به‌کار گیرد، رفتار افراد جامعه در جهت تحقق خواسته‌های سیستم اجتماعی و افراد سوق داده می‌شود. اما اگر محیط اجتماعی با ساخت درونی خود نابرابری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به وجود آورد و زمینه نارضایتی را پی‌ریزی کند، رفتار افراد جامعه به‌سوی هنجارشکنی گرایش پیدا خواهد کرد (سیف‌اللهی، 1374: 224).

پیشینه تحقیق

در دهه های اخیر به دلیل تغییرات فراوان در ساختار اجتماعی جوامع مساله انحرافات اجتماعی و هنجار شکنی به خصوص در جوانان مورد مطالعه تجربی و نظری فراوانی قرار گرفت. این مساله تحت عناوین مختلفی مانند کجروی و انحرافات، آسیب های اجتماعی، آنومی، ناهنجاری اجتماعی، بزهکاری و جرم شناسی مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت.

در تحقیقی که بر اساس پرونده 556 نفر از مصرف کنندگان مواد مخدر در کانادا انجام شد مشخص شد که اکثر افراد از طبقه پایین و کارگر بودند و مصرف کنندگان این رفتارشان را به عنوان یک رفتار معنادار و نماد مخالفت، مقاومت و اعتراض در برابر هنجارهای رسمی جامعه در نظر می گرفتند (کارستیرس، 2002). سمپسون و گروز (1989) در مطالعات خود نشان داده اند که رابطه ای قوی بین جنبه های مختلف بی‌سازمانی اجتماعی و عدم ثبات و انسجام اجتماعی وجود دارد. اغلب این مطالعات بر عوامل کلان در سطح اجتماع و رابطه شان با میزان جرم و کجروی متمرکز شده است. هارلوک منشاء آنومی را در محیط خانواده جستجو کرده و نحوه تربیت، شیوة جامعه پذیری و کیفیت رشد شخصیت فرد را در این زمینه مورد توجه قرار داده است. از نقطه نظر هارلوک، احساس امنیت و آرامش روحی، وجود فضاهای عاطفی در کنار تکیه گاه های روحی و روانی افراد می تواند فرد یا افراد را از هر گونه تحریف روحی و روانی باز دارند. هارلوک معتقد است ظهور رفتارهای ناسالم، نابهنجار و به تعبیری اعمال ضد اجتماعی به فضای آلوده رشد شخصیت یعنی خانواده بر می گردد (هارلوک، 1974). یافته های استاک (1981) نشان می دهد، ویژگی های ساختاری، نظیر بی ثباتی زیاد، عدم نظم و انسجام

اجتماعی، همگی منجر به میزان بالای کجروی و جرم خواهد شد. استاک با اتکا به نظریه آنومی بین روابط همبسته و معکوس پایبندی مذهبی و آنومی، متغیرهای کنترل دیگری را نظیر تحصیلات و پایگاه اجتماعی و ناهمگونی فرهنگی را در این رابطه در نظر می‌گیرد.

اما در تحقیقی که نتیجه متفاوتی داشت کیم و پریدمور به بررسی رابطه بین تغییرات اجتماعی و اقتصادی و جرم در روسیه بر اساس نظریه آنومی پرداختند که نتایج تحقیقشان در کمال شگفتی نشان داد که تغییرات اقتصادی و اجتماعی تاثیر چندانی بر جرائم به خصوص بر سرقت نداشته است (کیم و پریدمور، 2005).

در مطالعات داخلی انجام شده می‌توان به پژوهش نادری و همکاران اشاره کرد که در آن به سنجش چند بعدی احساس آنومی در بین جوانان پرداخته شد و نتیجه به دست آمده نشان داد که بین نگرش به آینده، عزت نفس، گمگشتگی فرهنگی، احساس نابرابری، پایبندی دینی، گسیختگی خانواده و روابط نامناسب اجتماعی با آنومی رابطه معنادار وجود دارد (نادری و همکاران، 1390). عباس زاده و همکاران (1391) در تحقیق خود نشان می‌دهد که وضعیت آنومی اجتماعی در بین دانشجویان در حد متوسط رو به بالاست و عواملی مثل اعتماد نهادی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی بر این آنومی تاثیر گذار است. در سال 1382 توسط معاونت اجتماعی ناجا در مشهد در پژوهشی تحت عنوان «آنومی اجتماعی در روابط اجتماعی جوانان» انجام شده است. بر اساس این تحقیق، مهمترین انواع نابهنجاری‌ها عبارتند از: عدم تعهد و مسئولیت پذیری، مشکل ارتباط با والدین و مربیان و اعتیاد (خوشکار، 1382).

سراج زاده و بابایی (1388) در تحقیق خود نشان دادند که بیش از نیمی از دانشجویانی که مورد مطالعه قرار گرفتند به نقض برخی از هنجارهای رسمی گرایش داشتند و این هنجارشکنی خود را به عنوان نوعی اعتراض در نظر می گرفتند.

روش تحقیق

هر تحقیقی با توجه به اهدافی که در پی دستیابی به آن است به اتخاذ استراتژی مناسب خود برای پیشبرد تحقیق و دستیابی به اهداف مورد نظر دست می زند. از آنجا که ما در این تحقیق به دنبال بررسی نقش احساس آنومی بر هنجارشکنی جوانان هستیم و همچنین به دنبال آزمون نظریات و فرضیات تحقیق هستیم باید روشی را انتخاب کنیم که ما را به بهترین نحو به نتیجه نهایی رهنمون کند.

در این تحقیق ما از روش پیمایش استفاده خواهیم کرد. ویژگی بارز پیمایش شیوه گردآوری و روش تحلیل آن است. از پیمایش برای آزمودن نظریه‌ها یا تبیین‌های تصدیق شده و ساختن نظریه‌های جدید استفاده می شود. این نوع مطالعات بر نگرش‌ها، عقاید، پاره‌ای از اطلاعات درباره شرایط زندگی و مقولاتی که افراد را معین و متمایز می گردانند متمرکز هستند. هدف پیمایش مشخص کردن دامنه تغییر پاسخ‌هاست؛ در پیمایش هر بخش از اطلاعات معرف متغیری یعنی اندازه‌ای برای تعیین تفاوت پاسخ‌هاست. پیمایش‌ها ممکن است توصیفی باشند یا سنجش‌تغیرنگرش نسبت به موضوع معینی و یا تعیین رابطه متغیری با متغیر دیگر باشند. از آنجا که ممکن است علل یا نتایج موضوع مورد مطالعه بسیار متعدد باشد، پیمایش‌ها غالباً شامل رشته‌ای از سوالات اند (که متغیرهای مختلف فراوانی را می‌سنجند)

تا به تَبیین های ممکن درباره یک رابطه خاص نائل آیند (بیکر، 1377: 24).

هدف از تحقیق پیش رو سنجش احساس آنومی و نقش آن در هنجارشکنی جوانان و بررسی رابطه بین متغیرهای مختلف تحقیق و آزمون فرضیات تحقیق است و همچنین پی بردن به اینکه نظریه و فرضیات استنتاج شده از آن تا چه حد با جامعه مورد بررسی همخوانی دارد. به همین خاطر بهترین روش، روش پیمایش است که ما را به دستیابی نتایج مورد نظر سوق می دهد و امکان مقایسه و تحلیل های آماری را فراهم می سازد.

جامعه آماری

محیط پژوهشی این تحقیق کل شهر تهران و جامعه آماری این تحقیق همه جوانان مذکر تهرانی است که بین 18 تا 35 سال سن دارند. نمونه تحقیق نیز با توجه به فرمول کوکران از جمعیت مردان بین 18 تا 35 سال تهران گرفته شده است.

تعیین حجم نمونه و روش نمونه گیری

برای تعیین حجم نمونه به علت آن که اندازه جمعیت آماری (N) در این تحقیق بسیار بالا می باشد و هنگامی که N بسیار بزرگ باشد تاثیر بسیار ناچیزی در برآورد حجم نمونه در فرمول کوکران دارد بنابراین از فرمول تعیین حجم نمونه کوکرانی که در آن N حضور ندارد استفاده می شود که در ذیل شرح داده شده است:

$$n = \frac{t^2 s^2}{d^2}$$

عناصر فرمول عبارتند از:

n = حجم نمونه

t = عدد مورد نظر در جدول t برای رسیدن به ضریب اطمینان مورد نظر

$s^2 =$ واریانس متغیر اصلی تحقیق

$d =$ دقت مطلوب احتمالی

حد مطلوب اطمینان در این تحقیق همانند اغلب مطالعات اجتماعی برابر با 95 درصد گرفته شده که در اینصورت مقدار t برابر با $1/96$ به دست می آید. واریانس متغیر وابسته هنجارشکنی با توجه به نتایج پیش آزمون $0/23$ و مقدار d نیز $0/05$ در نظر گرفته شده است. حجم نمونه برابر با $353/47$ به دست می آید که برای ایجاد اطمینان حجم نمونه 385 نفر تعیین شد. سپس شهر تهران از لحاظ جغرافیایی به 5 منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم گردید و در هر منطقه 77 پرسشنامه در مناطق شلوغ و پر رفت و آمد توزیع شد.

تعریف متغیرها

تعریف احساس آنومی: وضعیتی که فرد در آن وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را نابسامان و ازهم گسیخته ارزیابی می کند و معتقد به این است که سامان مشخصی در جامعه حاکم نیست.

نحوه سنجش احساس آنومی: در این تحقیق احساس آنومی در سه بعد آن مورد سنجش قرار می گیرد و نمره احساس آنومی هر فرد از مجموع نمرات این ابعاد به دست می آید. این سه بعد عبارتند از:

➤ احساس آنومی اجتماعی: به معنای نوعی آشفتگی و نابسامانی در قواعد اجتماعی است که در آن افراد قادر نیستند بر اساس نظامی از قواعد مشترک به تعامل اجتماعی بپردازند.

➤ احساس آنومی اقتصادی: به معنای فقدان تناسب بین نیازها و اهداف اجتماعی، امکانات مالی و اقتصادی و راه های رسیدن

به این اهداف است (نادری و همکاران، 1390: 192).

➤ احساس آنومی سیاسی: وضعیتی که در آن افراد به قواعد سیاسی جامعه التزام ندارند (نادری و همکاران، 1390: 192) و وضعیت سیاسی جامعه را از هم گسیخته و بی سامان ارزیابی می کنند و اینکه ثبات سیاسی در جامعه حاکم نیست.

تعریف هنجارشکنی: منظور انجام رفتارها و اعمالی است که بر اساس معیارهای اخلاقی و نظام هنجاری دینی و همچنین هنجارهای رسمی غالب ناپسند و گاه جرم به حساب می آیند (سراج زاده و بابایی، 1388: 162).

نحوه سنجش هنجار شکنی: در این تحقیق برای سنجش این مفهوم از 15 گویه و سوال در باب اعمال و رفتارهای جوانان که جنبه های نابهنجارانه و جرم شناسانه دارد مورد استفاده قرار گرفت و شاخص هنجارشکنی از مجموع نمرات این گویه ها به دست می آید. معرف های این گویه مواردی مانند استفاده از مشروبات الکلی، ارتباط با جنس مخالف، شرکت در پارتی های مختلط، خوردن و آشامیدن در ملا عام در ماه رمضان، استفاده از مواد مخدر می باشد.

فرضیات تحقیق

1. به نظر می رسد بین احساس آنومی افراد و گرایش آنها به رفتارهای هنجار شکنانه رابطه وجود دارد.
2. به نظر می رسد بین احساس آنومی اجتماعی افراد و گرایش آنها به رفتارهای هنجار شکنانه رابطه وجود دارد.



3. به نظر می رسد بین احساس آنومی سیاسی افراد و گرایش آنها به رفتارهای هنجار شکنانه رابطه وجود دارد.

4. به نظر می رسد بین احساس آنومی اقتصادی افراد و گرایش آنها به رفتارهای هنجار شکنانه رابطه وجود دارد.

اعتبار و پایایی سنجه ها

قبل از اجرا اعتبار صوری پرسشنامه توسط چندین تن از اساتید و پژوهشگران رشته های جامعه شناسی مورد بررسی و تایید قرار گرفت. همچنین در جدول زیر نتیجه آزمون آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی آورده شده است که آماره ها نشانگر آن است که شاخص ها از پایایی لازم برخوردارند.

بررسی اعتبار و پایایی سنجه ها		
شاخص	تعداد گویه ها	آلفای کرونباخ
احساس آنومی	15	0.891
هنجارشکنی	13	0.868

یافته های توصیفی

یافته های این تحقیق در مورد ویژگی های افراد نشان داد که از بین پاسخگویان 38.6 درصد متاهل و 61.4 درصد افراد مجرد بودند. همچنین یافته ها در مورد تحصیلات نشان داد که 9.9 درصد افراد تحصیلات زیر دیپلم ، 22.2 درصد افراد تحصیلات دیپلم ، 18.1 درصد تحصیلات فوق دیپلم ، 38.6 درصد تحصیلات لیسانس و 9.1 درصد نیز تحصیلات فوق لیسانس و دکترا داشتند. همچنین میانگین سنی افراد برابر با 27.13 سال بود.

شاخص هنجارشکنی: نتایج تحقیق در مورد شاخص هنجار شکنی در ادامه آورده شده است. نمره میزان هنجارشکنی افراد از ترکیب 13 گویه که

با طیف لیکرت سنجیده شده به دست آمده است که کمترین نمره ممکن 13 که به معنای کمترین حالت هنجارشکنی است و بیشترین نمره ممکن 65 می شود که نشان دهنده بیشترین حالت ممکن در هنجارشکنی است. یافته های تحقیق در جدول شماره 1 نشان داد که کمترین نمره به دست آمده برابر با 13 است که حکایت از آن دارد که کسانی بوده اند که کمترین گرایش ممکن به هنجارشکنی را دارند. همچنین بیشترین نمره به دست آمده برابر با 57 بوده است. میانگین هنجارشکنی افراد برابر با 26.74 است که نشان می دهد که پراکندگی افراد در مقادیر پایین هنجارشکنی بیشتر است.

جدول شماره 1: آماره های مربوط به شاخص هنجارشکنی

دامنه	کوچکترین بزرگترین میانگین	انحراف معیار	واریانس
44	13	57	26.74
		9.89	97.95

توزیع فراوانی افراد با توجه به میزان هنجارشکنی شان در جدول شماره 2 آمده است. همانطور که جدول نشان می دهد 45.7 درصد افراد که بیشترین فراوانی را دارند میزان هنجارشکنی شان در حد بسیار پایین است و 32.5 درصد نیز در حد پایین. 14.5 درصد از افراد نیز میزان هنجارشکنی متوسط دارند و در مجموع 7.3 درصد از افراد نیز دارای میزان هنجارشکنی زیاد و بسیار زیاد هستند.

جدول شماره 2: توزیع فراوانی افراد با توجه به میزان هنجارشکنی

میزان هنجارشکنی	فراوانی	درصد
هنجار شکنی بسیار پایین	176	45.7
هنجار شکنی پایین	125	32.5
هنجار شکنی متوسط	56	14.5
هنجار شکنی زیاد	25	6.5
هنجار شکنی بسیار زیاد	3	0.8

احساس آنومی: شاخص احساس آنومی از ترکیب 15 گویه مربوط به ابعاد سیاسی، اجتماعی و

اقتصادی احساس آنومی به دست آمد که کمترین نمره ممکن 15 و بیشترین نمره ممکن 75 می شود که به ترتیب نشان دهنده کمترین حالت آنومی و بیشترین حالت آنومی در افراد است. نتایج حاصل از یافته های تحقیق در جدول شماره 3 نشان می دهد که کمترین نمره به دست آمده برابر با 17 است که نمره فردی است که در بین افراد کمترین آنومی را داشته است و بیشترین آنومی برابر با 67 بوده است. میانگین احساس آنومی نیز برابر با 38.08 شده است.

جدول شماره 3: آماره های مربوط به شاخص احساس آنومی

دامنه	کوچکترین بزرگترین میانگین	انحراف معیار	واریانس
50	17	67	38.08
			7.67
			58.98

توزیع فراوانی افراد با توجه به میزان احساس آنومی شان در جدول شماره 4 آمده است. همانطور که مشخص است بیشترین فراوانی در بین کسانی است که احساس آنومی پایینی دارند.

جدول شماره 4: توزیع فراوانی افراد با توجه به میزان احساس آنومی

میزان احساس آنومی	فراوانی	درصد
احساس آنومی بسیار پایین	55	14.3
احساس آنومی پایین	182	47.3
احساس آنومی متوسط	118	30.6
احساس آنومی زیاد	24	6.2
احساس آنومی بسیار زیاد	6	1.6

بررسی فرضیات

در این بخش به بررسی فرضیات تحقیق پرداخته می شود. از آنجا که سطح سنجش متغیرهای مورد بررسی فاصله ای می باشد در آزمون رابطه متغیر احساس آنومی و ابعاد آن با هنجارشکنی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره 5 ارائه شده است.

در فرضیه اول آمده است که به نظر می رسد بین احساس آنومی افراد و گرایش آنها به رفتارهای هنجار شکنانه رابطه وجود دارد. نتایج تحقیق نشان داد که بین دو متغیر همبستگی 0.502 به دست آمده است که نشان می دهد بین دو متغیر در سطح خطای کمتر از 0.01 رابطه معنادار وجود دارد. بنابراین فرضیه تحقیق پذیرفته می شود.

جدول شماره 5: بررسی رابطه احساس آنومی و ابعاد آن با هنجارشکنی

متغیر وابسته: هنجارشکنی	میزان همبستگی	سطح معناداری
متغیر مستقل: احساس آنومی		
احساس آنومی اجتماعی	0.320	0.000
احساس آنومی سیاسی	0.472	0.000
احساس آنومی اقتصادی	0.431	0.000
احساس آنومی (کل)	0.502	0.000

در مورد فرضیه های دوم و سوم و چهارم تحقیق که در مورد ابعاد احساس آنومی با هنجارشکنی رود نتایج تحقیق نشان داد که بین احساس آنومی اجتماعی و هنجارشکنی همبستگی 0.32 و بین احساس آنومی سیاسی و هنجارشکنی همبستگی 0.472 و بین احساس آنومی اقتصادی و هنجارشکنی همبستگی 0.431 مشاهده شده است که همه آنها در سطح خطای کمتر از 0.01 معنادار بودند بنابر این هر سه فرضیه تحقیق پذیرفته می شوند. بنابراین نتیجه می شود که بین احساس آنومی اجتماعی، احساس آنومی اقتصادی و احساس آنومی سیاسی با هنجارشکنی رابطه وجود دارد.

جمع بندی و ارائه راهکارهای پیشگیرانه با تاکید بر نقش پلیس

مقاله حاضر به دنبال بررسی تاثیر احساس آنومی بر رفتارهای هنجارشکنانه در بین جوانان پسر شهر تهران بوده است. نتایج توصیفی تحقیق نشان داد که هم میزان هنجارشکنی و هم میزان احساس آنومی در جوانان تقریباً پایین است. اما نتایج مربوط به رابطه متغیرها نشان داد که بین احساس آنومی و رفتارهای هنجارشکنانه افراد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. از این رو استدلال می شود که افرادی که احساس آنومی بیشتری می کنند رفتارهای هنجارشکنانه بیشتری از خود بروز می دهند. همچنین یافته ها در مورد رابطه ابعاد احساس آنومی با هنجارشکنی نیز نشان داد که بین هر سه بعد احساس آنومی و هنجارشکنی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. علاوه بر اینها در مورد میزان اثر هر بعد از احساس آنومی بر هنجارشکنی نشان از آن دارد که قویترین میزان همبستگی در بین ابعاد احساس آنومی برمی گردد به بعد سیاسی احساس آنومی. یعنی اینکه هرچقدر افراد احساس آنومی سیاسی بیشتری داشته باشند میزان رفتارهای هنجارشکنانه در آنها بیشتر می شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بیشترین اثرگذاری بر رفتارهای هنجارشکنانه مربوط به احساس آنومی سیاسی است.

از این رو با توجه به یافته های این تحقیق به ارائه راهکارهایی جهت پیشگیری از رفتارهای هنجارشکنانه در بین جوانان می پردازیم و سعی بر آن است که نقش پلیس نیز برجسته شود:

✓ نتایج تحقیق نشان داد که احساس آنومی سیاسی بیش از هر چیز دیگری بر رفتارهای هنجارشکنانه جوانان موثر است. از این رو وضعیت سیاسی جامعه از خردترین سطح آن تا کلان ترین مناسبات سیاسی بر میزان گرایش

افراد بر رفتارهای هنجارشکنانه و تخطی از هنجاریهای اجتماعی اثر دارد. در شرایطی که فرد احساس ناتوانی سیاسی بکند و برای خود در مناسبات سیاسی حاکم جایگاهی پیدا نکند به طور منطقی به دنبال ایجاد فضاهایی برای بازنمود خود در جامعه است. از این رو مسیرهای پیش روی فرد نه مسیرهای هنجاری بلکه مسیرهایی هنجارشکنانه است. در چنین شرایطی فردی که از مناسبات قدرت سرخوده است و احساس می کند وضعیت سیاسی جامعه نابسامان است و هیچ چیزی سر جای خودش قرار ندارد، رفتارهای مبتنی بر احساس و عدم تعقل کافی در کنش های اجتماعی از خود بروز می دهد که گاه هنجارشکنانه و حتی مجرمانه است.

بهترین راهبردی که در اینجا وجود دارد مشارکت دادن جوانان در فعالیت های سیاسی به خصوص در قالب انجمن ها و تشکل های سیاسی است. افرادی که در فعالیت های سیاسی شرکت می کنند به خصوص در قالب انجمن ها و تشکل های سیاسی به دلیل قرار گرفتن در بطن فعالیت های سیاسی از انزوای سیاسی دور می شوند و جایگاه خود را در مناسبات سیاسی پیدا می کنند. در این شرایط به دلیل بینش وسیع تری که نسبت به مناسبات سیاسی جامعه به دست می آورند به یک انسجام ذهنی از وضعیت سیاسی می رسند. در این شرایط است که افراد احساس آنومی سیاسی نمی کنند و در نتیجه آن میزان گرایش آنها به رفتارهای هنجارشکنانه کاهش می یابد.

✓ راهبرد دیگر در اینجا ارتباط گسترده نهادهای دولتی به خصوص پلیس با جوانان است. چرا که یکی از دلالت های احساس آنومی سیاسی وضعیت نهادهای دولتی با تاکید بر پلیس بوده است. کسانی که پلیس را در یک فاصله اجتماعی با مردم در نظر می گیرند به

طور قطع در هم‌نوایی با هنجارهای پلیس نیز ناهمخوان عمل می‌کنند. در این شرایط پلیس برای اینکه بتواند نفوذ بیشتری در بطن جامعه و به خصوص در جوانان داشته باشد باید سیاست‌های اجتماعی و جامعه محوری را به طور حرفه‌ای در پیش گیرد. پلیس جامعه محور پلیسی است که منبع استناد آن جامعه و ارزشهای اجتماعی است و از بطن جامعه شکل می‌گیرد و اساسی‌ترین کارش از بین بردن فاصله اجتماعی خود با مردم و به کارگیری حمایت‌های اجتماعی در برقراری نظم است.

✓ نوع واکنش‌های پلیس به برخی ناهنجاریهای اجتماعی که سطح حساسیت آنها پایین است می‌تواند در گرایش‌های هنجارشکنانه بعدی جوانانی که با این واکنش‌ها برخورد کرده‌اند تاثیرگذار باشد. در این بخش نقش پلیس نقشی کلیدی و حیاتی است. اگر پلیس می‌خواهد هنجارشکنی در جامعه کم شود و نظم اجتماعی با ثبات در جامعه برقرار شود لازم است بسیاری از واکنش‌های خود را تعدیل کند. برخورد با هنجارشکنی‌های فرهنگی باید فرهنگی و با بهره‌گیری از رویه‌ها و اصول فرهنگی باشد نه با برخوردهای سخت.

✓ راهبرد دیگری که پلیس می‌تواند به کار بندد استفاده از نیروهای اجتماعی در برپایی نظم اجتماعی و پیشگیری از رفتارهای نابهنجار است. پلیس با این کار از دو جنبه می‌تواند به پیشگیری از رفتارهای نابهنجار بپردازد. از یک طرف استفاده از ظرفیت‌های عمومی باعث می‌شود نظارت‌های غیر رسمی بر افراد افزایش یابد و این نظارت‌های غیر رسمی خود ابزاری کاربردی برای کنترل رفتارهای نابهنجار است. چرا که توانایی رصد جامعه بیش از پلیس است و استفاده از این توانایی انجام بسیاری از وظایف پلیس

را تسهیل می کند. از طرف دیگر مشارکت دادن مردم در فعالیت های مربوط به پلیس خود باعث کم شدن احساس آنومی سیاسی در افراد می شود چرا که همانطور که پیشتر ذکر شد مشارکت در فعالیت های اجتماعی خود به خود باعث کاهی احساس آنومی در افراد می شود.

✓ نتایج این تحقیق نشان داد که احساس آنومی اقتصادی نیز بر گرایش افراد به رفتارهای هنجار شکنانه تاثیر دارد. از معرف های احساس آنومی اقتصادی بی ثباتی اقتصادی، نبودن راه های مشروع برای دستیابی به اهداف اقتصادی، و عدم تناسب بین نیازها و وضعیت اقتصادی است. با توجه به این موارد برای اینکه احساس آنومی اقتصادی کاهش پیدا کند باید شرایطی فراهم شود تا جامعه به یک ثبات اقتصادی دست پیدا کند. همچنین باید شرایطی فراهم شود تا افراد بر اساس توانایی ها و شایستگی های شخصی شان به نقش اقتصادی شان بپردازند و فرصت ها و منابع اقتصادی به طور عادلانه عادلانه توزیع شود و پارتی بازی ها و زدوبندهای پشت پرده ای وجود نداشته باشد.

✓ وظیفه ای که پلیس در اینجا می تواند داشته باشد این است که با اعمال سیاست هایی با فعالیت های اقتصادی غیر قانونی برخورد کند. ورود به بحث دلال ها و برخورد با آنها در هر بخش از فعالیت های اقتصادی، برخورد با پولشویی ها و رانت خواری های بزرگ و کوچک، نظارت بر کار دستگاه هایی که به توزیع منابع اقتصادی ارزشمند می پردازند، همه و همه می تواند به کاهش احساس آنومی اقتصادی در جوانان کمک کند و در نتیجه آن رفتارهای هنجارشکنانه نیز کاهش می یابد. اگر پلیس می خواهد هنجارشکنی های سطح خرد را سروسامان دهد باید پیش از آن هنجارشکنی

های سطح کلان به خصوص در مناسبات اقتصادی را برطرف کند چرا که پیامدهای اجتماعی این تخلفات اقتصادی بر بدنه جامعه بسیار بلندمدت و عمیق است.

✓ نتایج تحقیق نشان داد که بین احساس آنومی اجتماعی و هنجارشکنی رابطه وجود دارد و هرچقدر افراد احساس آنومی اجتماعی بیشتری داشته باشند میزان تخطی از هنجارهای اجتماعی بیشتر می‌شود. برخی از دلالت‌های احساس آنومی اجتماعی به تضعیف روابط غیر رسمی و عاطفی، بی‌اعتمادی اجتماعی، ازهم گسیختگی وضعیت اجتماعی و هرج و مرج در روابط انسانی برمی‌گردد. در این شرایط وقتی که فرد احساس کند که یک نظام هنجارین و معنایی مشترک وجود ندارد که فرد از آن تبعیت کند پیامدهایی که برای وی به دنبال دارد می‌تواند گرایش به رفتار انحرافی و هنجارشکنانه باشد. یکی از راهبردهایی که در این زمینه وجود دارد آموزش مهارت‌های زندگی به افراد است. در این آموزش‌ها باید به چگونگی ایجاد روابط دوستانه، تعمیق روابط عاطفی خانوادگی، آموزش اصول شهروندی، سازماندهی روابط غیر رسمی و مسائلی از این قبیل پرداخته شود تا از یک طرف به کاهش احساس آنومی اجتماعی در افراد کمک شود و از طرف دیگر افراد را در مقابل پیامدهای منفی احساس آنومی اجتماعی مقاوم سازیم.

✓ در این بخش پلیس می‌تواند با سایر دستگاه‌ها به خصوص دستگاه‌های آموزشی مثل آموزش و پرورش و صدا و سیما ارتباط برقرار کند و مواد آموزشی را در جهت مقاوم‌سازی افراد در اختیار این دستگاه‌ها قرار دهد. همچنین خود پلیس می‌تواند از طریق سیستم آموزش همگانی به برگزاری دوره‌های آموزش اجتماعی

و شهروندی هم برای کارکنان پلیس و هم برای عموم مردم به خصوص جوانان بپردازد تا از این طریق افراد را در مقابل گرایش به کجروی ها و هنجارشکنی ها مقاوم سازد.

✓ یک راهبرد دیگر در اینجا که در سطح کلان مطرح است این است که با اعمال سیاستگذاری هایی جامعه مدنی در جامعه تقویت شود. جامعه مدنی حد واسط بین دولت و مردم است و دقیقا در جایی ایجاد می شود که به فضای بی اعتمادی معروف است. کارکردهای مثبت جامعه مدنی فراوانند اما با توجه به موضوع مورد بحث جامعه مدنی می تواند با سازماندهی افراد در قالب نهادهای غیر رسمی یک منبع حمایت اجتماعی و سرمایه اجتماعی برای افراد تلقی شود و این منبع حمایتی خود به خود به انسجام اجتماعی و فکری فرد کمک می کند که در نتیجه آن فرد خود را در چارچوب نظامی هنجارین تعریف می کند که مبنای عمل اجتماعی اوست. از این رو احساس انومی در فرد به وجود نمی آید و در نتیجه رفتارهای انحرافی هنجارشکنانه ای که پیامد بسیاری از واپس زدگی های اجتماعی و ازهم گسیختگی های نظامی هنجارین است از بین می رود. از این رو جامعه مدنی که متشکل از نهادهای غیر رسمی است با ایجاد حس مشترک در افراد زمینه های همنوایی افراد را با ارزش ها به وجود می آورد و در نتیجه در سطح کلان موجب انسجام اجتماعی و از بین رفتن شرایط انومیک می شود.

منابع

- بیکر، ترز.ال (1377)، نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی
- تنهایی، حسین (1374)، مکاتب و نظریه های جامعه شناسی، گناباد: نشر مرنديز.
- چلبی، مسعود (1375)، جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی
- خوشکار، علیرضا (1382)، آنومی اجتماعی در روابط اجتماعی جوانان، فصلنامه امنیت اجتماعی، پیش شماره اول
- ستوده، هدایت الله (1374)، مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
- سخاوت، جعفر، (1376) جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات پیام نور
- سراج زاده، سیدحسین و بابایی، مینا (1388)، نقض هنجاری های فرهنگ رسمی و سنتی و دلالت های مقاومتی آن: بررسی نمونه ای از دانشجویان، مطالعات جامعه شناختی، شماره 36
- سلیمی، علی و داوری، محمد (1380)، جامعه شناسی کجروی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- سیف الهی، سیف الله (1374)، مبانی جامعه شناسی، گناباد: نشر مرنديز
- صفوی، امان الله (1370) تئوری های انحرافات، «رشد علوم اجتماعی» سال سوم، شماره 9
- عباس زاده، محمد و همکاران (1391)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره 1، شماره 1
- فرجاد، محمدحسین (1377)، بررسی مسائل اجتماعی در ایران، تهران: نشر اساطیر
- قنادان، منصور و همکاران (1375) مفاهیم کلیدی جامعه شناسی، تهران: انتشارات آوای نور.
- گولد، جولیوس و کولب، ویلیام (1376)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مازیار
- نادری، حمدالله و همکاران (1390)، سنجش چند بعدی احساس آنومی در بین جوانان، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره 25
- هزار جریبی، جعفر و صف ری شالی، رضا (1389)، بررسی عوامل موثر بر ارتکاب جرم، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره 46

- Carstairs, C (2002), Becoming a hype: heroine consumption, sub cultural formation and resistance in Canada, 1945-1961. www.proquest.com.
- Hurlock, E (1974), Personality Development, McGraw Hill, Newyork.
- Kim, S- w & Pridemore W (2005), Social Change, Institutional Anomie and Serious Property Crime in Transitional Russia, British Journal of Criminology, Volume 45, Issue 1
- Sampson, R & Groves, B (1989), Community structure and crime: Testing social disorganization theory, American journal of sociology,94
- Stack, S. (1981), Religion and Anomia in America, The Journal Social Psychology,114.
- Vold, G & Bernard, T (1986), Theoretical criminology, Oxford university press .